

**آلات قمار:** آلات قمار همان ابزار و وسائل قمار بازی مانند پاسور و نرد است که بازی با آنها خواه شرطبندی شود یا بدون آن حرام است. همچنین ساختن، نگهداشتن، هدیه و قرض دادن و هر گونه اکتساب با آلات قمار مانند خرید و فروش، اجاره دادن، صلح کردن بر آن، اجیر شدن برای ساختن یا آموزش، حرام و باطل است.

**اجاره:** اجاره در لغت از ریشه اجر به معنای رهنیدن، به فریاد رسیدن، چیزی را به فرد دادن می‌باشد. در اصطلاح عقدی است که به موجب آن مستأجر، در برابر مالی که به موجر می‌دهد، برای مدت معین مالک منافع عین مستأجره می‌شود. یعنی همان سلطه و اختیار استفاده مالک را از عین مورد اجاره دارد. بنابراین اجاره عقدی تملیکی و معوض و موقت می‌باشد.

**اجیر:** اجیر در لغت به معنی مزد گیر است. یعنی کسی که با گرفتن دستمزد برای دیگری کار می‌کند و در اصطلاح فقهاء عبارتست از: انسانی است که خودش را اجاره می‌دهد یا غیر از خودش او را اجاره می‌کند تا از عمل او نفع ببرد بنابراین عنوان اجیر اختصاص به اجاره ی اعمال دارد، نه اعیان (مانند خانه و ماشین و زمین)

**احتکار:** به انبار کردن مواد غذایی خاص به انگیزه افزایش قیمت آنها احتکار گفته می‌شود و احتکار کننده را «محتکر» گویند. گفتنی است که ذخیره کردن مواد غذایی برای خود یا خانواده یا امری دیگر احتکار محسوب نمی‌شود. احتکار اگر به قصد اضرار به مسلمانان و یا موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی آنان شود حرام است

**ارتداد:** ارتداد از واژه «رَدَد» و در لغت به معنای «بازگشت» است. در فرهنگ دینی به بازگشت از اسلام به کفر «ارتداد و رده» گفته می‌شود. شخص مرتد به کسی گفته می‌شود که از اسلام خارج شده و کافر شده باشد. از نظر فقیهان اسلامی مرتد دو نوع است؛ ۱. فطری ۲. ملی. شخص مرتد اگر مرد باشد، در صورتی که مرتد فطری باشد، اعدام می‌شود و عقد او یا زنش باطل است و اموال او نیز بعد از پرداخت بدهی هایش مانند اموال شخص مرده بین ورثه اش تقسیم می‌شود. اما اگر مرتد ملی باشد سه روز به او فرصت توبه داده می‌شود و اگر توبه نکرد اعدام می‌شود. این شخص در صورتی که توبه نکند و اعدام شود اموالش تقسیم می‌شود و عقدش باطل است. اگر شخص مرتد زن باشد- چه از نوع فطری و چه از نوع ملی - اعدام نمی‌شود، بلکه زندانی می‌شود تا زمانی که توبه کند و اموال او تا زمانی که زنده است تقسیم

نمی شود و در صورتی که به خانه شوهر رفته باشد باید عده طلاق نگه دارد ولی اگر به خانه شوهر نرفته باشد بدون عده از شوهر جدا می شود.

**ارث:** ارث به باقی مانده اموال میت گفته می شود، که در اسلام قانون خاصی برای تقسیم آن در بین ورثه<sup>۶</sup> میت بیان شده است.

**اسقاط:** اسقاط در لغت به معنای افکندن، انداختن، فرود آمدن، فرو افتادن، بر زمین افتادن، رفع و ازاله آمده است. در فقه به از اعتبار انداختن حقی اعم از مالی و یا غیر مالی اسقاط گفته می شود. در حقوق، اسقاط عبارت است از اینکه حقی را از بین ببرند، که ممکن است ضمن یک عقد، معاوضه و یا ایقاع واقع شود. مانند ابراء، اعراض و یا پرداخت دین از طرف بدهکار زودتر از موعد و ... اسقاط در اعمال حقوقی در زمره ایقاعات می باشد؛ چرا که تنها به اراده ساقط کننده صورت می گیرد. البته در اسقاطی که در برابر دریافت چیزی باشد، به توافق طرف مقابل نیز نیاز است؛ بنابراین در این مورد خاص اسقاط در زمره عقود ملاحظه می شود.

**اقاله:** اقاله در لغت به معنای مسامحه و نادیده انگاشتن امری می باشد. و در اصطلاح فسخ عقد از طرف معامله کنندگان بعد از پشیمانی یکی از دو طرف معامله و درخواست فسخ از جانب او و قبول این درخواست از طرف دیگر می باشد. بنابراین اگر یکی از طرفین معامله - مثل مشتری - از معامله ای که کرده پشیمان شود و هیچ راهی برای فسخ عقد نداشته باشد از بائع درخواست می کند که معامله فسخ شود و او نیز قبول کند و بیع را فسخ کند معامله فسخ می شود که به این کار اقاله می گویند و به درخواست مشتری استقاله گفته می شود.

**امانت:** امانت در لغت ضد خیانت، و به معنای اعتماد نمودن و در اصطلاح فقهی «امانت» در همان معنای لغوی استعمال شده، ولی در موارد فراوانی به معنای ذیل، به کار رفته: امانت دارایی و جنسی است که به اذن مالک آن و یا به اذن شارع مقدس در اختیار غیر مالک آن قرار می گیرد.

**بازار:** بازار یا همان سوق مکان داد و ستد کالا است که به اعتبار بازرگانانی که در آن به تجارت اشتغال دارند به دو بخش تقسیم می شود:

• بازار مسلمانان

• بازار غیر مسلمان ؛

بازار مسلمانان از علامات تذکيه حيوان است؛ بدین معنا که گوشت، پوست و دیگر اجزای حیوان که از بازار یاد شده خریداری می‌شود محکوم به طهارت و حلیت است. اما بازار غیر مسلمانان مراد از آن بازاری است که همه یا بیشتر کسبه آن غیر مسلمان باشند. پوست، گوشت و سایر اجزای حیوان که از چنین بازاری خریداری می‌شود محکوم به عدم تذکيه است مگر آنکه فروشنده آن مسلمان باشد .

**بانک :** همان نهاد عهده‌دار عملیات پولی، مالی و اعتباری است و بانکداری عبارت است از ارائه خدمات و عملیات بانکی در زمینه‌های پولی، مالی و اعتباری . موضوع بانک و بانکداری پیش از زمان معاصر در دوره اسلامی سابقه‌ای ندارد و فقهای معاصر مسائل مربوط به آن را تحت عنوان مسائل مستحدثه طرح کرده‌اند. بانکها در یک تقسیم‌بندی کلی به اسلامی و غیر اسلامی و هرکدام به خصوصی (شخصی)، دولتی و مشترک تقسیم می‌گردند.

**بیع :** بیع در لغت به معنای خرید و فروش و در اصطلاح فقهی بیع عبارتست از: انتقال دارایی از فردی به فرد دیگر، بصورت توافقی در برابر عوض تعیین شده.